



بررسی زیست سیاسی حنیف‌نژاد از نهضت آزادی تا مبارزه مسلحانه

سر حلقه طایفه انحراف

اسلام را به‌عنوان یک مکتب حیات‌بخش پذیرفته بود، در عرصه نظری وامدار منابع معرفتی متعددی بود. او تحت تأثیر قرائت‌های سلفی حاج‌یوسف شعار رشد کرده بود و در دوره دانشجویی نیز تحت‌تأثیر تعالیم بازرگان، سحابی و آیت‌الله طالقانی قرار داشت. تصمیم او برای مبارزه مسلحانه و توجه ویژه او به شأن اجتماعی و سیاسی اسلام، بی‌توجهی او به سایر ششون دین را به همراه آورد که این موضوع بعدها زمینه انحراف در سازمان مجاهدین خلق را فراهم کرد. حنیف‌نژاد پس از رهایی از زندان با کمک سعید محسن که از دوستان نزدیکش بود، فعالیت‌های خود را در قالب مبارزه مسلحانه آغاز کرد و در مرحله اول به تقویت ایدئولوژی و عضوگیری پرداخت. این گروه که اعضای آن تا سال ۱۳۵۰ به چند صد تن رسیده بود، عنوان مشخصی نداشت، اما در این سال با دستگیری گسترده اعضای آن توسط ساواک، با تصمیم برخی اعضا نام سازمان مجاهدین خلق را برای خود برگزید. در سالمرگ درگذشت محمد حنیف‌نژاد بر آن شدیم که علل انحراف این سازمان را بررسی کنیم و ببینیم چه عواملی سبب شد که یک جریان برخاسته از پایگاه دینی مقابل انقلاب دینی مردم قرار بگیرد. آنچه می‌خوانید مرور برخی عوامل انحراف سازمان مجاهدین خلق و به‌طور کلی جریان‌های به اصطلاح چپ اسلامی است.

حنیف‌نژاد در تبریز متولد شد و تا ورود به دانشگاه در شهر زادگاهش ماند. بعد از مدرسه در کلاس‌های قرآن شرکت می‌کرد و چندی نیز شاگرد حاج‌یوسف شعار بود. در سال ۱۳۳۸ وارد دانشگاه تهران شد و در رشته ماشین‌آلات کشاورزی مشغول به تحصیل شد. در این دوره فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی‌اش را گسترش داده و همزمان عضو «سازمان دانشجویان جبهه ملی دوم» و «نهضت آزادی ایران» شد. علاوه‌بر این حنیف‌نژاد مسئول «انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده کشاورزی» بود که آن زمان بدنه دانشجویی جریان‌های مبارز به حساب می‌آمد. او یکی از کسانی بود که در جریان دستگیری اعضای نهضت آزادی در سال ۱۳۴۱ دستگیر شد و به زندان افتاد. در زندان او روابط نزدیک‌تری با اعضای برجسته این حزب برقرار کرد و این آشنایی زمینه تشکیل یک گروه برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم را فراهم کرد. در این تجربه حنیف‌نژاد از زندان، به نظر می‌رسد اتخاذ شیوه‌های سالمات‌آمیز برای تداوم مبارزه علیه رژیم پهلوی به‌خصوص پس از دستگیری سران جبهه ملی و نهضت آزادی و سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد در دیگر در ذهن اشخاصی چون مهندس بازرگان نیز مطرح نبوده و نمی‌توانسته توجیه داشته باشد. آقا محمد اگر چه مقید و اهل شاعران دینی بود، دیدگاه نظری‌اش ترکیبی از قرائت‌های نادقیق از دیانت بود و اگرچه

همراه شدن با رهبری نهضت

آن را مخالف احکام قرآنی شمرد. وی همچنین می‌گوید که امام صریحا گفت که من با جنگ مسلحانه مخالفم. امام به وی تأکید می‌کند که من درباره ایدئولوژی شما باید از روحانیون ایران مانند مطهری، طالقانی، منتظری و رفسنجانی تحقیق کنم. آقای سید محمود دعایی که خود در نجف بوده تلاش فراوانی کرده است تا نظر امام را نسبت به مجاهدین مساعد کند، اما در این کار توفیقی حاصل نکرده است.» بعدها امام خمینی دلیل تأیید نکردن مجاهدین خلق را این‌طور بیان کردند که چون کاملاً شناخته‌شده نبودند و معلوم نبود که در آینده به کجا می‌روند از آنها حمایت نکردند. به‌طور کلی سازمان مجاهدین خلق که عمده‌ترین جریان چپ اسلامی در آن دوره به حساب می‌آمدند از ابتدا با روحانیت مبارز شیعه مساله داشتند؛ چه در سطح روحانیون مبارز و چه در سطح رهبری. اگر چه زاویه آنها با آموزه‌های اسلام ناب و روحانیون شیعه خیلی زود نمایان شد اما تقابل آنها با رهبری امام تا بعد از انقلاب اسلامی مخفی ماند. از زمان نهضت مشروطه و حتی قبل تر از آن نهضت تنبک‌کو، جریان‌های مبارز مسلمان تنها در صورتی توفیق یافتند که اولاً مبانی نظری خود را تنها از اسلام ناب گرفتند، ثانیاً با جامعه و صنف روحانیت اصیل همراه شدند و ثالثاً رهبری یک مجتهد و اسلام‌شناس را پذیرفتند و از او تبعیت کردند. چپ‌ها هم از این قاعده مستثنی نبودند و دیدیم که مجاهدین خلق در دهه منتهی به انقلاب و سال‌های بعد از انقلاب چگونه از مردم فاصله گرفتند و آموزه‌های دینی را کنار نهادند. کاظم بجنوردی که در زندان با مسعود رجوی هم بند بود از او چنین نقل می‌کند که مسعود می‌گفت: «از نظر ما مارکسیسم-لنینیسم علم است، علم اجتماع و علم مبارزه است، درست مثل قوانین فیزیک ربطی به دین و اسلام ندارد. ما نمی‌توانیم بگوییم فیزیک اسلامی یا فیزیک سرمایه‌داری، فیزیک فیزیک است و قوانین خودش را دارد. اسلام هم همین‌طور است.» امروز هم رزمه‌های چپ‌گرایی در شرایطی به گوش می‌رسد که اشتباهات مجاهدین خلق در حال تکرار شدن است. انحراف از منویات رهبری و سعی بر تخریب دستاوردهای نظام اسلامی کلیدواژه‌ای است که در سال‌های نه‌چندان دور در دستور کار مجاهدین خلق قرار گرفت و سرنوشت آنها را تغییر

مجاهدین خلق هیچ‌گاه مورد حمایت امام خمینی نبودند. حتی در اوج محبوبیت‌شان در اوایل دهه ۵۰ وقتی در جریان ماجرای هواپیماربابی از امام کمک خواستند پاسخ منفی دریافت کردند. این عدم حمایت احتمالاً دو دلیل عمده داشت؛ اول اینکه امام با مبارزه مسلحانه موافق نبود و آن را خلاف اهداف انقلاب-دست کم در آن برهه- می‌دانست. امام به مرتضی‌الویری نیز که از طرف گروه چریکی فلاح به نجف رفته بود درباره جنگ مسلحانه فرموده بودند که مبارز به این شکل نیروها را فuschل و ویرانکنده خواهد کرد. دلیل دوم هم احتمالاً اندیشه مغلوط و منحرف این جریان بود که برای شخصی چون امام خمینی اظهار من الشمس بود. از طرفی سازمان مجاهدین هیچ گاه تابع امام به‌عنوان رهبر انقلاب نبوده و هموار خود مدعی پیشروی و رهبری جریان انقلاب بود. به‌طوری کلی اختلاف جریان مجاهدین با امام از همان ابتدای تشکیل این سازمان پیدا شد. تشکیل این گروه بدون مشورت با امام خمینی صورت گرفت و در ادامه هم سازمان برای هیچ اقدامی مقید به اذن و اجازه امام خمینی به‌عنوان رهبر انقلاب نبود. اگرچه آنها در زمان حضور امام در نجف بسیار کوشیدند که از ایشان تأیید بگیرند، اما این اقدام از سر ارادت به امام یا پذیرفتن ایشان به‌عنوان رهبر انقلاب نبود، بلکه با افزایش محبوبیت امام خمینی و تثبیت شدن جایگاه ایشان به‌عنوان رهبر نهضت در بین مردم، آنها تلاش کردند از این جایگاه برای مشروعیت بخشیدن به تشکیلات خود استفاده کنند. حسین روحانی از اعضای مارکسیست‌شده سازمان در اظهارات مفصل خود درباره تلاش‌هایش برای جلب رضایت امام خمینی تأکید کرده است که به نمایندگی از سازمان هفت مرتبه با امام خمینی ملاقات کرد که در نهایت او رده‌ای برای سازمان نداشت. در این باره به رسول جعفریان در بخشی از کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران» آورده است: «حسین روحانی پس از انقلاب اعتراف کرد که از طرف سازمان به نجف رفته و طی هفت جلسه با امام گفت‌وگو کرده است. وی دو کتاب «امام حسین (ع)» و کتاب «راه انبیا راه بشر» را به امام داده است. وی توضیح می‌دهد که امام تحلیل مسا را از معاد یک تحلیل مادی قلمداد کرد. مورد دوم بحث تکامل بود که ما به تکامل انواع داروینی اعتقاد داشتیم که امام



درباره روابط سازمان مجاهدین خلق با روحانیت مسائل متعددی مطرح شده است که وجه‌اشتراک همه آنها عدم اعتقاد مجاهدین به تبعیت از روحانیون در مبانی اعتقادی است. از جمله تراب حق‌شناس، از اعضای اولیه این سازمان در گفت‌وگو با مجله آرش درباره نسبت این سازمان با روحانیت شیعه تأکید می‌کند که «به نظر من سازمان مجاهدین خلق از آغاز امر آخوندیسم و دستگاهی به نام روحانیت را قبول نداشت.» محمد حنیف‌نژاد به‌عنوان یکی از اعضای سه نفره اولین حلقه سازمان مجاهدین که اولین رهبر این جریان هم به حساب می‌آید اگرچه روابطی با برخی روحانیون برجسته آن دوره داشت، اما ارتباط او کمتر از نوع فکری و بیشتر از نوع سیاسی و تشکیلاتی بود. با تأکید بر استفاده از برخی تعالیم روحانیون، او در جایی گفته است که ما به این نتیجه رسیده‌ایم که به هیچ‌وجه نمی‌توانیم از روحانیون انتظار داشته باشیم تدوین ایدئولوژی انقلابی اسلام را برای ما برعهده بگیرند. البته شدت و ضعف این موضوع در سیر تکوینی سازمان مجاهدین خلق متفاوت است. امثال حنیف‌نژاد و سعید محسن به‌عنوان پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق نسبت به بعدی‌ها روابط لطیف‌تر و ارادتمندانه‌تری نسبت به روحانیت داشتند، به هر حال این ارتباط از ابتدا

ناقص و ناموزون بود. قرائتی وجود دارد که نشان می‌دهد حتی امثال حنیف‌نژاد که افرادی مقید و مذهبی به حساب می‌آیند و اهل‌روضة امام حسین (ع) بودند هم درک درستی از مبانی اسلامی و جایگاه روحانیت در اسلام سیاسی نداشتند. لطف‌الله میثمی، از اعضای سابق سازمان و باجناز محمد حنیف‌نژاد در کتاب خاطراتش

آورده است که سال‌های ابتدایی فعالیت سازمان «بعد از نماز جماعت گروهی می‌گفتند که به جای تعقیبات اگر شای سوئدی برویم هم سخت‌تر است و هم نتیجه‌بخش‌تر!» غیر از این روایت‌های مختلفی از مبارزان آن دوره است که حکایت از بی‌اعتقادی مجاهدین به رساله‌های علمیه و اسلام حوزوی دارد. این بی‌اعتنایی به مسائل فقهی در نسل بعد از حنیف‌نژاد-یه جهت فقدان آموزش‌های لازم و به حاشیه رفتن مسائل دینی و اعتقادی- شدیدتر بود به‌طوری که آنها با خلط مسائل سیاسی و اعتقادی مرجع تقلید خود را حنیف‌نژاد و محسن می‌دانستند. این‌س نوع نگاه و برخورد با روحانیت بنایی بود که از ابتدا در سازمان مجاهدین خلق گذاشته شد. آشنایی بنیانگذاران سازمان با مسائل دینی نه از طریق آموزه‌های اصیل بلکه به واسطه مطالعه آثار مهدی بازرگان بود. آنچه محمد حنیف‌نژاد صد بار خوانده بود، نه کتابی از امام خمینی، شهید مطهری و حتی آیت‌الله طالقانی که کتاب «راه‌طی‌شده» مهدی بازرگان بود. ایده‌آل مجاهدین در اسلام‌شناسی بازرگان بود که اگر چه به روحانیون احترام می‌گذاشت به روحانیت به‌عنوان یک صنف اجتماعی بی‌اعتنا بود. علاوه‌بر این برخورد پوزیتیویستی بازرگان با دین و تحصیل مذهبی او از اساس خلاف تعالیم اصیل دینی و مورد انتقاد اسلام‌شناسانی نظیر آیت‌الله مطهری بود.

به هر حال مجاهدین خلق دین را از دریچه اسلام‌شناسی بازرگان فهمیده بودند و نتیجه‌اش هم به‌مرور زمان مشخص شد. مرحوم ربانی شیرازی در خاطرات خود از زندان در ابتدای دهه ۵۰ آورده است که «در سال ۵۰ وقتی که محمد حنیف‌نژاد را گرفته بودند و من هم به زندان قزل‌قلعه وارد شدم، دیدم که اینجا به ظاهر بچه‌های خوبی هستند اما هیچ‌گونه مساله‌ای از مسائل اسلامی را بلد نیستند، وضو را غلط می‌گیرند، نماز را اگرچه با آب و تاب اما غلط می‌خوانند.... آنها مسائل دینی را قبول نداشتند و رساله‌ها را به کل باطل می‌دانستند.»

با این وصف، رابطه تشکیلاتی سازمان با روحانیون غیر از نسبت آنها در اندیشه بود. مجاهدین خلق برای گسترش فعالیت‌ها و اقدام جدی در مبارزه با حکومت به حمایت سیاسی و مالی روحانیون نیاز داشتند. از این رو در طول بیش از یک دهه فعالیت سازمان قبل از تغییر ایدئولوژی بسیاری

بریدن از سرچشمه

از روحانیون سرشناس از فعالیت آنها حمایت می‌کردند. پس از محکومیت سران مجاهدین که در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده بودند، تعدادی از روحانیون سرشناس به‌منزل مراجع رفتند و از آنان خواستند تا به احکام دادگاه اعتراض کنند. در ارتباط با این موضوع چندین نفر از آنها مانند احمد جنتی، محمدعلی گرامی، مهدی ربانی‌الملشی و... دستگیر شدند.

کمک‌های مالی روحانیون نیز آنچنان قابل توجه بود که در سال ۵۱ مورد توجه ساواک قرار گرفت و در بازجویی از روحانیون از آنها در این باره بسیار سوال می‌شد. شور انقلابی که بر سازمان نوپای مجاهدین حاکم بود عناصر مذهبی به‌ویژه روحانیون را به‌وجد آورده حمایت آنان را جلب می‌کرد و به‌ویژه تا سال ۱۳۵۰ که ماهیت این سازمان مخفی بود و کسی اطلاع درست از نوع نگاه و انگیزه فعالیت آنها نداشت. ظاهر فعالیت آنان حکایت از مبارزه انقلابی عده‌ای مسلمان علیه رژیم شاه داشت که با احکام دین هم مغایر نبود. اما این فقط ظاهر ماجرا بود و اصل قضیه در زیر این چهره پنهان بود. اما چهره واقعی سازمان پس از دستگیری‌های ۱۳۵۰ برای مذهبی‌ها مشخص شد. حسینعلی منتظری که قبل از این نامه‌ای در حمایت از مجاهدین به امام نوشته نبود بعدها در سال ۵۹ درباره وضعیت فکری سازمان در آن زمان این گونه توضیح داد: «من خلاصه این کتاب‌ها را وقتی خواندم، دیدم که این کتاب‌های آقایان زیربنایش کمونیستی محض است و به قول بعضی رفقا همان مسائلی است که مارکسیست‌ها دارند. اینها را طرح و قبول کرده و پذیرفته‌اند؛ منتها چیزی که هست لفظ خدا را مثلاً در بالایش گذاشته‌اند.... این مسائل را بیش از همه روحانیونی که در زندان بودند و با اعضای مجاهدین مراده داشتند متوجه شدند.

در دی ۱۳۵۶ موسی خیابانی، یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که بعد از انقلاب مسئولیت شاخه نظامی سازمان را برعهده گرفت، از طریق لاهوتی که در حال انتقال از زندان قصر به اوین بود پیام سازمان را به روحانیون این زندان رساند. متن پیام چنین بود: «شما‌ها صلاحیت نظر دادن در مسائل اجتماعی را ندارید، زیرا همیشه دنباله‌رو هستید. حد‌خودتان را بشناسید و پا از گلیم خود بیرون نگذارید.»

آگهی ابلاغ رأی

طبق تبصره ماده ۳۰۲ قانون آیین‌نامه دادرسی مدنی بدین‌وسیله اعلام می‌گردد آقای علی اکبر کرمی کارمند شماره ۶۵۴۳۸۵ طبق رأی اصلاحی شماره ۵۴/۱۱۵۴ مورخ ۹۸/۲/۲۴ به مجازات بازنشستگی با تقلیل یک گروه محکوم گردیده است.

هیات اول تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان وزارت نفت

م. الف ۶۲۹

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آبادکتول در نظر دارد پکیج یونیت‌های برودتی مربوط به ساختمان مسجد خود را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت خرید، تکمیل و تحویل اسناد مزایده با واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۲۰۰۱۶۰۴۰۹۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه مرکزی علی‌آبادکتول به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکتول، حداکثر ۱۰ روز پس از درج آگهی به نشانی استان گلستان، علی‌آبادکتول، بلوار دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی – دفتر حقوقی مراجعه یا با شماره تلفن ۰۹۱۳۰۳۰۸۸ (آقای حاجی‌زاده) تماس حاصل فرمایند. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار است. هزینه انتشار آگهی و کارشناسی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند و **رباط کریم** واقع در آزادراه تهران - ساوه، شهر جدید پرند، در نظر دارد اقلام ضایعاتی و مستعمل خود را از طریق مزایده حضوری به فروش برسانند. علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز جهت خرید اسناد مزایده به طبقه سوم ساختمان اداری، دبیرخانه کمیسیون معاملات مراجعه فرمایند. **هزینه خرید اسناد شرکت در مزایده:** واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۵۳۸۴۶۴۲۰۰۵ در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند می‌باشد. **هزینه چاپ آگهی** به عهده برنده مزایده خواهد بود. **دانشگاه** در قبول یا رد هریک از پیشنهادات واصله اختیار تام داشته و هیچ‌گونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود.

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر در نظر دارد، مورد ذیل را به شرح اسناد مربوطه از طریق مناقصه عمومی به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید:
- امور خدماتی و نظیفیات
- مهلت دریافت اسناد: از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری
- محل اجرا: مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر
- محل دریافت اسناد: خمینی‌شهر، منظریه، انتهای بلوار دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، ساختمان کتابخانه مرکزی، امور قرارداده‌ها، **تلفن تماس:** ۰۳۱-۳۳۶۶۰۰۱۱ داخلی ۲۳۳۷ و ۲۲۴۶ لذا از کلیه اشخاص واجد شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس مذکور مراجعه نمایند.
(ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد)
دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادها مختار است.
امور قراردادهای دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر